

مینیا توره‌های سوسن آبادی، ساده، بی‌آرایش، پرتوان و پخته است. تابلوهای او معرف قدرت نقاش و بازتاب احساس واقعی او است. چه او در یک لحظه و در حین تسخیر شدن در مقابل یک هجوم روحی، آنها را رقم زده است.

سیمین خاکپور

سیمین خاکپور تحصیلاتش را در زمینه نقاشی، در دانشگاه پاریس به پایان رسانیده و تاکنون ۱۵ نمایشگاه در داخل، و خارج از ایران ترتیب داده است. سیمین خاکپور مراحل مختلفی را از مکاتب مختلف نقاشی طی نموده و پس از کسب تجارب فراوان در «آبستراکسیونیزم» که منجر به پیمودن دوره‌های مختلف می‌شود، پا فراتر نهاده است.

فرشته برقی

تحصیلات عالی خود را در رشته نقاشی، در انگلستان به پایان رسانیده و با بهره‌گیری از رنگ‌های شاد، در آمیزه تخیل و رویا تجربه آموخته است.

منصور حسینی

تمامی راه‌های نگارگری را پیمود. ولی آنچه را که طالب بود در مینیاتور یافت و مصرانه آن را دنبال کرد.

خود او معتقد است که در این کار توفیق بیشتری یافته است و روش کار تازه‌اش که برداشتی است از مینیاتورهای بجای مانده، در زمینه میراث غنی ایرانی، در آمیزش با گل و گیاه، بیشتر مورد توجه او واقع شده است.

محمد قاضی اسدالهی

از نواده‌های قاضی اسد یکی از عرفای عصر صفوی است. او مدتی در دانشکده هنرهای زیبا به کار نقاشی اشتغال داشته و بعد بدنبال ذوق هنری خود رفته و تا حال در حدود ۵۰۰ پرتره رنگ و روغن کشیده است، از جمله تصویر استاد حسین بهزاد مینیاتورست، که اکنون در موزه وزارت فرهنگ و هنر نگهداری می‌شود، دیگر تصویر شاعر بزرگ، ملک‌الشعرای بهار که در خانواده استاد محفوظ است، دیگر تصویر استاد جواد آذر شاعر معاصر می‌باشد.

استاد محمد قاضی اسدالهی علاوه بر هنر نقاشی در هنر خطاطی نیز مهارت دارد و خط نستعلیق و ثلث را خوش می‌نویسد. شکل (۲۵۶)

دیگر از نقاشان این دوره:

ژاله پورهنگ - احمد ایمانی - عباس خلیلی - ابراهیمی نژاد - کاظم رکنی - ایرج حضرتی - پری آل داود - کمال اخباری - منیژه آرمین - مجید آذرآبادی - پروانه مرزبانی - شیوا احسانی - ملک قاسمی - ژاله پوریان - پرتو وحید - مجید دین داریان - مسعود قریبی - ایران درودی - حمید مهران و عده‌ای دیگر^(۱)



شکل ۲۵۶ - تصویر شاعر عالیقدر ملک‌الشعرای بهار، اثر قاضی اسدالهی

تذہیب

تذہیب

هنر تزیین نامه‌ها و کتاب‌ها از دوران بسیار کهن بخصوص در دوره صفویه رایج بود و صفحات کتابها و حواشی آنها با نقش‌های دلپذیر و زیبا، با آب طلا و سنگرف و لاجورد تزیین می‌کردند. در دوره صفویه فن تذهیب‌کاری، در ایران به منتهی درجه کمال خود رسید. که از این آثار، در موزه‌های جهان زیاد یافت می‌شود و نقش همه تذهیب‌ها و ترصیع‌ها، از نقوش اسلیمی و گل و بوته تشکیل شده است.

برای تذهیب کاری و همچنین خطاطی، زمینه کاغذ یا مقوا را آهار و مهره می‌زنند. برای آهار زدن از نشاسته استفاده می‌کنند و برای مهره زدن عقیق‌های تراشیده یا نوعی صدف را به کار می‌برند، تا کاغذ یا مقوا براق و آماده کار شود. سپس دور آن نقش‌ها را با دو خط نازک، سیاه محدود می‌نمایند تا حدود این نقش‌ها مشخص گردد.

فن تذهیب در دوره قاجار توسعه و رونقی زیاد پیدا کرد. از تذهیب‌کاران مشهور: حاج میرزا عبدالوهاب ملقب به «مذهب باشی» است. آثار زیبای او در سر لوحه قرآن‌ها و کتب خطی و حواشی نسخ و روی قلمدان‌ها و جلد کتاب‌ها موجود و موجب تحسین و اعجاب است.

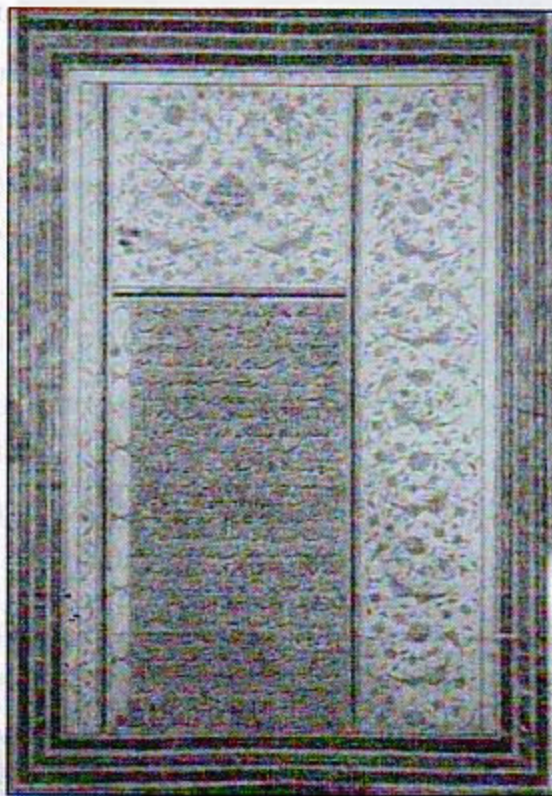
دو نفر دیگر از اساتید تذهیب، میرزا محمدعلی شیرازی و پسرش میرزا باقر است، که در گل و بوته و قلمدان سازی معروف و صاحب آثارند. میرزا یوسف شیرازی نیز از استادان معروف و پسران هنرمندش تا این اواخر در شیراز مشغول به کار هنری بوده‌اند. کارهای میرزا یوسف در تذهیب صفحات، با طلا و لاجورد، در سر لوحه قرآن‌ها و روی جلد‌ها و قلمدان‌ها بی‌نظیر و در حد اعلای ظرافت است. (۱)

میرزا بزرگ شیرازی نیز یکی از نقاشان این عصر است. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۳، مرکزی بنام مجمع‌الصنایع در تهران تأسیس کرد، و نقاشان در آنجا به کار پرداختند. میرزا بزرگ نیز در آنجا به کار مشغول بوده است، سبک او در تابلو سازی و مینیاتور و تذهیب، لطافت خاصی دارد. دیگر از استادان مجمع‌الصنایع، حاجی میرزا یحیی خان تقوی است که از آثار او در موزه کاخ گلستان موجود است.

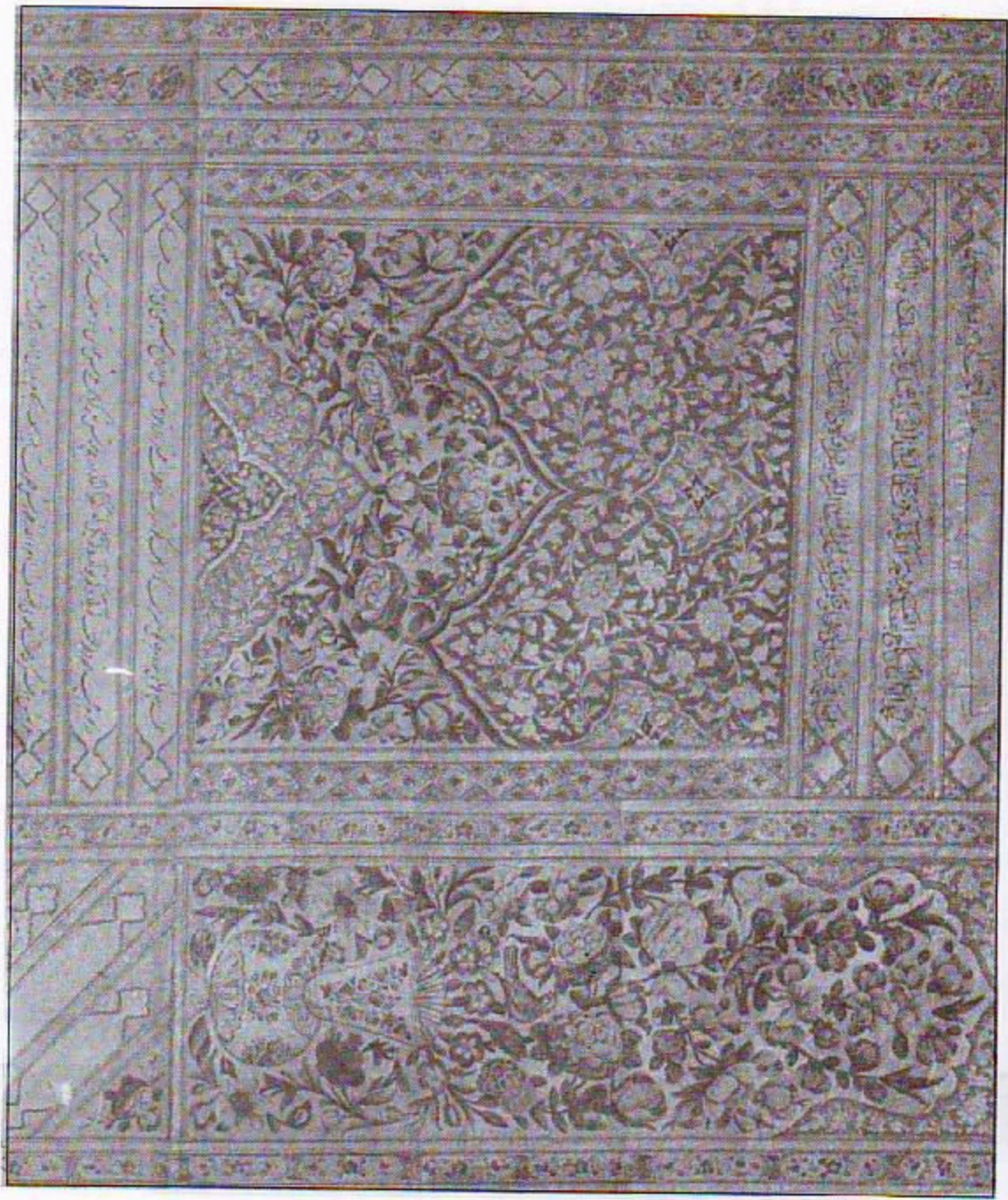
دیگر از کارهای جالب این دوره که معرف هنر تذهیب کاران است، قباله‌های ازدواج اشراف و شاهزادگان است که برحسب درجه و مقام و موقعیت، قباله‌های ازدواج آنها زیباتر و پرکارتر بوده است.

دو نمونه از قباله‌های این دوره، یکی از آنها مربوط به ازدواج امیرکبیر با ملک‌زاده خانم از لحاظ ظرافت کار و زیبایی بسیار جالب است. اشکال (۲۵۸-۲۵۷)

یک صفحه از کتاب صباح که دارای تذهیب بسیار ظریف و زیبا و معرف کار هنرمندان این دوره است. شکل (۲۵۹)



شکل ۲۵۷. قباله ازدواج امیرکبیر و ملک‌زاده خانم (خواهر ناصرالدین شاه)



شکل ۲۵۸. نمونه‌ای دیگر از تزیین قباله‌های ازدواج دوره قاجار



خاتم‌سازی

خاتم‌سازی

شریعت اسلام کشیدن تصویر انسان و ساختن مجسمه را به جهت فراموش کردن خاطره بت‌سازی و بت‌پرستی تحریم کرده است، و هنرمندان با توجه به این ممنوعیت، طرح‌های فراوان با موضوعات متنوع دیگر به وجود آوردند. و از اشکال هندسی: خط، زاویه، مربع، مکعب، مثلث، مخروط و کره برای بروز استعداد و شکل دادن به رویاهای خود، استفاده کردند. و از ترکیب این اشکال هزاران طرح نو ساختند. و از نقش گیاهی و پرندگان نیز در بیان تخیلات خود استفاده نمودند. خاتم یک هنر بسیار قدیمی است، و بعضی عقیده دارند که این هنر از هند به ایران آمده و بعضی دیگر معتقدند که اصل و نسب این هنر ایرانی است. ولی بطور کلی هنر خاتم کاری ایران و هند با هم شباهت زیاد دارد و در یکدیگر اثر گذاشته است.

خاتم‌کاران که هنرمندانی شایسته و ماهر بودند. در این اواخر در گوشه انزوا به سر می‌بردند و کمتر کسی آنها را می‌شناخت. با اجرای برنامه خاتم کاری اتاق‌های کاخ مرمر و مجلس شورای ملی تحرکی پیدا شد، و این هنرمندان از خود آثاری نشان دادند، که در دنیا بی‌نظیر است. شکل (۲۶۰) خاتم‌کاران شیرازی و اصفهانی به تهران آمدند و برای نمایش هنر خود، در کاخ مرمر دست به کار شدند، و یکی از بزرگترین آثار هنری جهان را به وجود آوردند.

اگر درست دقت کنیم می‌بینیم در خاتم‌های ازاره تالار آینه، به جای برنج، نزدیک به یک تن نقره به کار رفته است. برای ساختن این خاتم‌ها از شیوه زمان صفویه پیروی شده، بدین معنی که طرح‌ها همه بصورت اشکال منظم هندسی است که تلفیق مثلث‌های کوچک و ظریف به وجود آورده است.

یکی از خاتم‌کاران معروف که فوت کرده است «حاج خلیل گلریز خاتمی» است، که از مبرزترین هنرمندان این فن بوده و آثار او زینت بخش موزه‌های جهان است. او در بیشتر نمایشگاه‌های بین‌المللی شرکت کرده و به اخذ مدال موفق گردیده است. شکل (۲۶۱)

استاد خلیل گلریز در هنرستان اصفهان به تربیت شاگردان پرداخت. یکی از شاگردان برجسته او بنام علی نعمت در اداره کل هنرهای زیبای کشور در تهران و دیگری بنام رضا جفاری در هنرستان اصفهان به ساختن خاتم و تربیت شاگرد مشغولند.

نمونه‌ای از کارهای او یک صندلی خاتم و یک میز خاتم است که بسیار ظریف و زیبا و قابل توجه است. شکل (۲۶۳-۲۶۲)

گلریز معتقد است که دوران صفویه عصر رونق خاتم کاری ایران است. به نظر او خاتم سازی در ایران پیش از اسلام نیز وجود داشته است منتهی در آن دوره خاتم سازان از چوب یک رنگ استفاده می‌کردند و آن را بصورت چهار میلی متر مکعب می‌بریدند و با طرح‌های گوناگون روی صفحه‌ای می‌خکوبی می‌کردند.

استادان بزرگی چون: «علی نعمت، محمد حسین صنیع خاتم، استاد گلریز، آقای محمد حسین حسینی، علی آقای بابویه و جلال مطلع» و عده دیگر، نقش بزرگی در ارائه این هنر داشته‌اند. تالار خاتم مجلس شورای ملی، یکی از حیرت‌انگیزترین آثار هنری ایران است، که در جهان مشابه و نظیر ندارد و شاید در آینده هم چنین اثری عرضه نشود. این تالار خاتم کاری شده، تجلی‌گاه هنر، زیبایی و اصالت است.

مرکز اصلی ساخت خاتم، شیراز بوده و خاتم سازی در اصفهان از دوره قاجاریه متداول شده است.

به نظر استاد محمد حسین صنیع خاتم، خاتم سازی به نهایت درجه ریزی می‌رسد که از آن ریزتر حتی در هنر مینیاتور امکان ندارد. او می‌گوید:

صنعت کار روی چوب، نخستین طلیعه هنر خاتم سازی است.

قدیمی‌ترین کار خاتم سازی مربوط به ششصد سال پیش است.

خاتم کاری کاخ مرمر و تالار مجلس شورای ملی بی نظیر است.

خاتم سازی از جمله ظریف‌ترین و اصیل‌ترین هنرها و صنایع دستی کشور ما است، که از زمان پیدایش و در طول حیات خود استحکام، استخوان‌بندی و اصالت اولیه را حفظ کرده و کمتر سیر قهقرایی داشته و هرگاه توجهی به آن شده، قدمی به سوی کمال برداشته است.

با بررسی تاریخ پیدایش و تکامل صنعت خاتم سازی، به سادگی می‌توان پی برد که این هنر خصوصیتی کاملاً شرقی دارد و جنبه تزینی و تجملی آن بیشتر مورد توجه است و باز می‌توان ادعا کرد که خاتم سازی رایج در ایران، در حال حاضر در هیچ مملکتی مشابه و مانند ندارد.

خاتم سازی عبارت است از هنر آراستن سطح اشیاء به وسیله چوب و استخوان و فلز به اشکال هندسی و در تعریف نوعی صنعت است که با ریزه‌های استخوان و حلقه‌های فلزی و چوب، سطح چیزی را بپوشانند.

شادروان علی نعمت که نمونه کار او در نمایشگاه بین‌المللی بروکسل (فروردین ۱۳۳۷) برنده مدال افتخار شد. خاتم را این طور تعریف کرده است: «تزیین اسباب و اثاثیه و سایر اشیایی که با طرح‌های هندسی از قطعات کوچک چوب، عاج، استخوان، فلز و صدف انجام پذیرد.» در خاتم کاری، بیشتر گل‌های کوچک و ستاره‌های درخشان که از مواد مختلف ساخته شده دیده می‌شود، یعنی قطعات کوچک منظمی از مس، قلع، چوب و عاج بریده و آنها را در روی سطحی که سریشم زده‌اند می‌چسبانند.

در تعبیری وسیع‌تر، هنر آراستن سطح اشیاء بصورتی شبیه موزائیک با مثلث‌های کوچک را خاتم سازی یا خاتم کاری می‌گویند. طرح‌های گوناگون خاتم، همواره به صورت اشکال منظم هندسی بوده است. این اشکال هندسی را با قرار دادن مثلث‌های کوچک در کنار هم نقش‌بندی می‌کنند. مثلث‌ها را به رنگ‌های دلپذیر از انواع چوب و فلز استخوان می‌سازند و هرچه مثلث‌ها ریزتر و ظریف‌تر باشد، خاتم مرغوبتر است.

«در هر یک سانتیمتر مکعب خاتم به طور متعارف حدود ۲۵۰ قطعه فلز، استخوان یا چوب کنار هم نشانده می‌شود. و چنین ظرافتی را در کمتر هنر دستی می‌توان مشاهده کرد، در یک طرح خاتم برای ساختن کوچکترین واحد هندسی، حداقل سه مثلث و برای بزرگترین آن حداکثر چهارصد مثلث بکار می‌رود. ابعاد و اشکالی که با ترصیع این مثلث‌های ریز و رنگ به رنگ در کنار هم و روی شیشی مورد نظر به وجود می‌آید، ممکن نیست بتوان کوچکتر و ظریف‌تر به وجود آورد و از این رو خاتم را خاتمه‌ای بر همه‌ی هنرهای دستی نیز دانسته‌اند.

استاد جلال مطّلع، خاتم ساز برجسته‌ی شیرازی که اکنون در تهران بسر می‌برد، عقیده دارد و با اطمینان در این مورد می‌گوید: «خاتم سازی در اصل و ریشه نوعی ریاضت بوده است. ابراهیم ادهم، زمانی که از سلطنت کناره‌گرفت و به ریاضت پرداخت، ریاضتی که انتخاب کرد ساختن خاتم بود.»

مرحوم محمد حسین صنّیع خاتم، پدر دوره‌ی جدید خاتم‌کاری در ایران، اعتقاد داشت، که خاتم به معنای «ختم رسم» است. رسم هندسی بصورت درست و با ابعاد بزرگتر در کاشی و قالی و منبت کاری و سایر هنرهای ظریف انجام می‌گیرد، اما این رسم هندسی در فن خاتم سازی به نهایت درجه ریزی می‌رسد که از آن ریزتر در هیچ هنری حتی مینیاتور امکان ندارد.

صنعتی که از لحاظ ریزه‌کاری به چنین کمال و امتیازی رسیده است از لحاظ تاریخی ریشه مشخصی ندارد و معلوم نیست اول بار خاتم کاری در کدام گوشه دنیا رایج بوده و مرسوم گشته است.

درباره زمان و محل و پیدایش هنر خاتم سازی، نقل قول‌های متفاوتی وجود دارد و زمینه‌های مشترکی درباره این صنعت کمتر به چشم می‌خورد. در ایران بعد از اسلام، صنعت کار روی چوب در واقع طلیعه‌ی فن خاتم سازی است، گرچه از قدیمی‌ترین ایام، انواع و اقسام هنرهای دستی، ترصیعی، سنگی، فلزی و چوبی در ایران بوده است، ولی خاتم سازی با ترکیب کنونی آن در کشور ما نباید بیش از چهار یا پنج قرن تاریخ در پشت سر داشته باشد. قدیمی‌ترین کار روی چوب که خاتم سازی امروز صورت تکامل یافته آن است، از ششصد سال فزاتر نمی‌رود. ترصیع عاج و صدف و استخوان‌ها بر روی چوب که با خاتم امروز تشابه دارد، از زمان صفویه به بعد مورد توجه قرار گرفته است.

بعضی از هنرمندان معتقدند که خاتم را از لغت خاتم به معنای انگشتی گرفته‌اند. واز خاتم سلیمان نبی(ع) یاد می‌کنند و می‌گویند با توجه به خاتم حضرت سلیمان(ع)، نام خاتم بر این فن گذاشته شده. چون در انگشتی آنچه مهم است «ترصیع» یعنی نشانیدن نگین در جای مناسب آن است و در خاتم نیز نشاندن گل بر جای مناسب آن.

پاره‌ای از محققان معتقدند، خاتم از جمله هنرهایی است که در مشرق زمین مرسوم بوده و یونانی‌ها و رومی‌ها آن را از شرق اقتباس کرده‌اند.

در کتاب هنر اسلامی آمده است که تزئین منابر باعث بدعت تازه‌ای در حکاکی شد که پس از آن کم‌کم به درها و سقف‌ها و دریچه‌های پشت پنجره‌ها نیز سرایت کرد. رسم بر این بود که سطح چوب را به مناطق نامنظمی تقسیم می‌کردند و هر قسمت با قطعات حکاکی شده و آرایش یافته‌ی بزرگ یا کوچک از همان چوب یا چوب دیگر یا استخوان و یا با عاج تزئین می‌گردید و به این ترتیب راه برای تکامل به سوی تزئین با مواد مختلف (خاتم کاری) باز شد. همین روش باعث گردید که در قرن چهارم میزهای شش گوشه‌ای برای زیر شمعدان‌ها و صندوق‌های مستطیل جهت نگهداری قرآن ساخته شود.

رواج و رونق خاتم کاری در ایران عصر صفویه مورد تأیید است. تا پیش از آن حتی اگر در کتب تحقیقی مختص صنایع دستی، ذکری از خاتم ایران شده است، نمونه از کار آن دوره وجود ندارد و پایه هرگونه بررسی و تحقیق درباره تاریخچه و پیدایش هنر خاتم سازی در ایران، باید از دوره صفویان ببعد مورد توجه قرار گیرد. در زمان صفویان خاتم کاری در شهرهای جنوبی ایران به خصوص در شیراز و اصفهان و کرمان مراحل پیشرفت و ترقی را بسرعت پیمود و هنرمندان آن دوره آثار بسیار و قابل توجهی از خود باقی گذاشتند.

هنر خاتم‌کاران اصفهان در عصر صفویه، از درهای باقیمانده متعلق به عالی قاپو و هشت بهشت نمودار است. صندلی‌های خاتم و جعبه‌های آینه و خوانچه‌های خاتم از زمان صفویه تا عصر قاجاریه بهترین نمونه‌های کار هنرمندان اصفهانی را نشان می‌دهد. از زمان شاه عباس، صندلی‌های خاتم هنوز موجود است. در این عصر درهای کاخ‌ها، رحله‌های قرآن و صندوق‌های قبر را نیز خاتم‌کاری می‌کردند. صندوق خاتم مرقد مطهر حضرت علی ابن ابیطالب (ع) در نجف اشرف از ظریف‌ترین و اصیل‌ترین شاهکارهای هنر خاتم‌سازی است که به دستور لطفعلی‌خان زند بدست استادان شیرازی ساخته شده و از دوره زندیه باقی مانده است.

پاره‌ای از قدیمترین آثار خاتم‌کاری شده در ایران عبارت است از:

- ۱- صندوق مرقد امامزاده سید علاءالدین (ع) فرزند امام موسی ابن جعفر (ع) در شیراز و دو جفت درب خاتم آن بقعه که به قدمت ۴۰۰ الی ۴۵۰ سال می‌رسد.
- ۲- قاب آینه خاتم که در تاریخ ۱۱۲۴ قمری در کرمان ساخته شده است، زینت این قاب جمله‌ی (الهم صل علی محمد و آل محمد) از صدف و جمله (قال النبی اله علیه و آله انا مدینه العلم و علی بابها) از عاج می‌باشد. این قاب جزو مجموعه شخصی مرحوم محمد حسین صنیع خاتم است.

۳- قسمت‌هایی از صندوق آرامگاه شیخ صفی‌الدین در اردبیل که یادآور هنر خاتم‌سازی در عهد صفویه است. چند نمونه از قدیمی‌ترین آثار خاتم‌کشورهای اسلامی همچوار که به وسیله استادان ایرانی ساخته شده است عبارت است از:

- ۱- صندوق مرقد حضرت موسی ابن جعفر (ع) در کاظمین.
- ۲- صندوق مرقد حضرت امام حسن عسگری (ع) در سامره که در زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی به وسیله استاد جعفر ساخته شده است.
- ۳- صندوق قبر حضرت علی ابن ابیطالب (ع) در نجف اشرف که در زمان کریم‌خان زند ساخته شده است.

۴- ضریح مرقد حضرت امام حسین (ع).

۵- ضریح مرقد حضرت ابوالفضل (ع).

اولین کارگاه خاتم‌سازی در اوایل قرن چهاردهم توسط استاد محمد صنیع خاتم و برادرش محمد حسین صنیع خاتم (اداره «صنایع قدیمه» تهران) تأسیس شد و هنرمندان به کار ساختن اشیاء از قبیل قوطی سیگار و قاب عکس و غیره پرداخته‌اند. در این دوره به موازات توجه خاصی که به

صنایع مستطرقه مبدول می‌گردید، باعث شد که صنعت خاتم سازی از گمنامی به در آید و یکشنبه ره صد ساله به پیماید.

در دوره جدید، خاتم کاری به چنان شکوفایی رسید که اثر درخشان و تحسین برانگیز اتاق خاتم کاخ مرمر به وجود آمد. خاتم کاری تالار کاخ شاهکاری است در فن خاتم سازی، این تالار که چند سالی است به موزه مردم تبدیل شده است، از جمله شگفت‌انگیزترین نمونه‌های صنعتی ایران در عصر حاضر است.

اتاق خاتم - در ضلع شرقی کاخ مرمر اتاقی است به طول هشت متر و عرض شش متر با چهار در و پنجره و دو گنجه‌ی بزرگ که پنجره‌های آن بطرف مشرق باز می‌شود و یکی از درها به تالار آینه هم آهنگی رنگ‌ها، درخشش عاج‌ها و نقره‌ها این اتاق را بصورت معبدی مجلل جلوه‌گر ساخته است. خاتم ساز بنام این اثر هنری درخشان و گرانبها، مرحوم محمد حسن صنیع خاتم بوده است. این استاد به کمک برادر و فرزندان و شصت تن از خاتم سازان ماهر شیراز و اصفهان در عرض چهار سال اتاق خاتم را ساخته و پرداخته کرده است.

خاتم کاری کم‌کم در لوازم مورد نیاز عموم نیز به کار رفته است. مثل صندوقچه، جعبه آرایش، صندلی، میز، قلمدان و قاب آینه و صندوق‌های مقبره ائمه اطهار(ع)، که در این دوره ساخته شده و معرّف هنر در خدمت مذهب است که شاهکارهایی به وجود آورده و بهترین گواه ذوق و هنر و ایمان هنرمندان است.

استادان کارگاههای وزارت فرهنگ و هنر، نیز آثاری عرضه کرده‌اند که بسیار ارزنده و جالب است، از جمله یک میز تحریر که به ملکه انگلستان اهداء گردید و دیگر یک عقاب با بالهای گشوده که بسیار زیبا و ظریف است شکل (۲۶۴ و ۲۶۵).

دیگر یک ضرب خاتم کاری است که در اطراف آن اشعاری با خاتم کاری نوشته‌اند و به نظر می‌رسد که برای زورخانه ساخته شده باشد شکل (۲۶۶)

در شکل (۲۶۷) طرز کار هنرمندان خاتم کار نشان داده شده است که با چه دقت و زحمتی نقوش مور دنظر را به وجود می‌آورند.

آثار هنری صنیع خاتم

صنیع خاتم مردی متدین و با تقوی بود و زمانی که به نجف اشرف برای زیارت مرقد حضرت امیرالمومنین علی(ع) رفته بود متوجه گردید که صندوق خاتم مرقد آن حضرت بواثر مرور زمان

فرسوده شده، بنابراین تصمیم گرفت که آنرا مرمت و تعمیر نماید. وقتی کتیبه آنرا می‌خواند دید که این صندوق در زمان جعفرخان زند برادر کریمخان زند، بدست عبدالرحیم شیرازی جدّ خود او در سال ۱۲۰۳ ساخته شده است.

او با کمک شاگردان هنرمند خود به تعمیر صندوق می‌پردازد و پس از سیزده ماه کار صندوق را به صورت اود در می‌آورد.

پس از تعمیر صندوق مرقد حضرت علی(ع)، صنایع خاتم تصمیم گرفت که صندوق‌های مرقد ائمه اطهار را مرمت و تعمیر نماید از اینجهت به کربلا رفت و صندوق مرقد حضرت سیدالشهداء(ع) که بدستور شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۳۳ ساخته شده بود همچنین صندوق مرقد حضرت ابوالفضل(ع) را باز سازی نمود.

در کاظمین صندوق مرقد حضرت جواد(ع) و حضرت موسی بن جعفر(ع) را در مدت سه سال مرمت و اصلاح کرد.

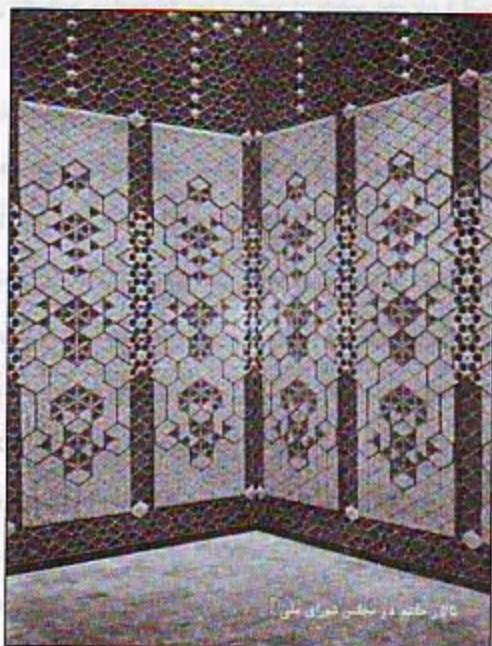
در سامرا مدت ۱۹ ماه مشغول تعمیر و مرمت صندوقهای مرقد حضرت امام علی النقی(ع) و حضرت امام حسن عسگری(ع) بوده است.

بهمین جهت از طرف نایب‌السلطنه عراق به آقای صنایع خاتم نشان رافدین داده شد و از طرف اداره اوقاف یک اتومبیل به ایشان اهدا گردید.

از طرف حوزه روحانیت مراسم تجلیل و احترام نسبت به او به عمل آمد و ایشان را به محبوب الائمه اطهار ملقب ساختند.

صنایع خاتم در اغلب نمایشگاههای بین‌المللی شرکت کرده است از جمله در نمایشگاه فیلادلفی کارهای او مورد تحسین قرار گرفت و از طرف دولت امریکا مدال عقاب طلاکه از بزرگترین نشانهای هنری است به او داده شد.

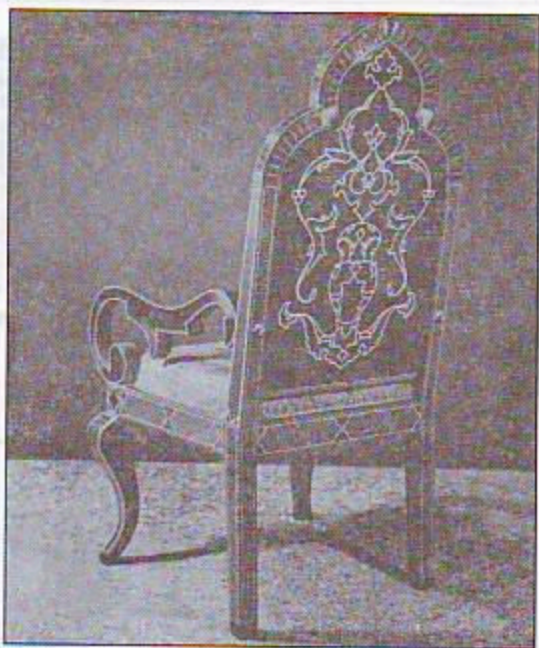
صنایع خاتم عده‌ای از جوانان با ذوق و استعداد را تعلیم داده که بعدها جزء اساتید این هنر شناخته شده‌اند از جمله: حسن شفقت - محمد خرمی - محمد منبث کار - احمد مسکوکی -



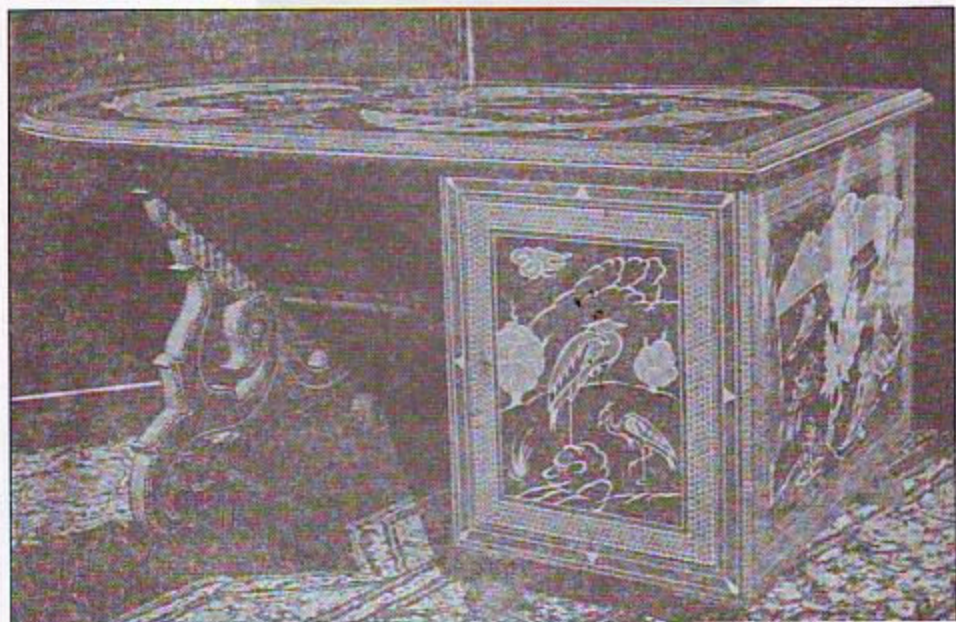
شکل ۲۶۰- خاتم کاری یکی از ازاره‌های مجلس شورای ملی



شکل ۲۶۱- تصویر حاج خلیل خانمی



شکل ۲۶۲. صندلی خاتم، کار حاج خلیل خاتمی



شکل ۲۶۳. میز خاتم (کار حاج خلیل خاتمی)



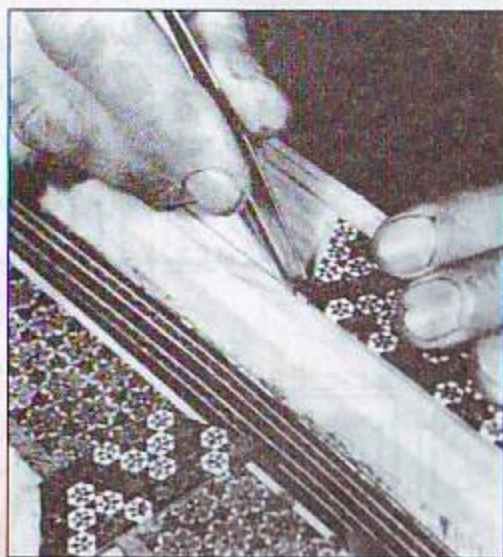
شکل ۲۶۴. میز اهدایی به ملکه انگلستان



شکل ۲۶۵. عقاب خاتم



شکل ۲۶۶. تنبک خانم



شکل ۲۶۷. طرز کار خاتم‌کاری را نشان می‌دهد

حکاکی

حکاکی در روی سنگهای سختی مثل عقیق و یشم و فلزات، هنر ارزنده بسیار مشکلی بوده است چون حکاک علاوه بر اینکه باید خوشنویس باشد در نقش و حکاکی خطوط روی اشیاء سخت هم مهارت داشته باشد.

این هنر سابقه تاریخی دارد و از هزاران سال قبل آثار آن در روی لوحه‌ها دیده می‌شود که در موزه‌های مختلف وجود دارد.

در گذشته در روی عقیق انگشترها نام صاحب آنرا نقش می‌کردند و این به منزله برگ شناسایی بوده و اسناد را با آن انگشتر مهر می‌کردند.

در دوره قاجاریه عده زیادی به این کار اشتغال داشته‌اند از جمله محمد طاهر که استادی کم نظیر در حکاکی و مهرکنی بوده و در زمان حکومت ناصرالدین شاه در اصفهان سکونت داشته است. فرزند او حاج محمد حسن و نواده‌هایش از جمله میرزا نصراله و میرزا اسداله و میرزا اسماعیل صدرالقراء هم به این کار اشتغال داشته‌اند.

مهرهای عقیق که کار آقا طاهر بوده ارزش زیاد داشته است یکی از مهرهای کار او در حراج تهران به صد هزار تومان فروخته شده است.

حاج ملا علی بقا هم در حکاکی مهر و انگشتر کمال مهارت را داشته، دیگر حاج میرزا حسن حکاک که در دوران ناصرالدین شاه میزیسته و در نوشتن خط نستعلیق و حکاکی و نقاری و ترتیب مسجع مهر اشتهار داشته است.

در کتاب المائز والاثار نوشته است که مهر ناصرالدین شاه و عده‌ای از شاهزادگان قاجار را او ساخته و لقب حکاک باشی به او داده شده است.

دیگر از حکاکان معروف این دوره میرزا اسماعیل است که به کار نگین تراشی و مهرکنی در دوره قاجار اشتغال داشته .

دیگر میرزا عباس که خطاط معروفی بود و منیر مخصوص احمدشاه را او نقر کرده است.



سوخت یک هنر اصیل و بومی است، که هنرهای تذهیب و نقاشی و مینیاتور و معرق‌کاری در تهیه آن نقش دارد و بعضی «سوخت» را هنر هفتگانه نامیده‌اند. این هنر بسیار ناشناخته و در حال فراموشی است و امروز، اشخاصی که به این هنر آشنایی دارند، انگشت شمار هستند.

هنر سوخت و معرق

اصفهان به جز شهر گنبدهای نیلگون و بناهای تاریخی از دیر زمان شهر هنرها و صنعت‌های دستی نیز نامیده شده و به داشتن هنرمندان بزرگی در زمینه‌های مختلف دیگر نیز اشتهار پیدا کرده است، گرچه شاهد زوال تدریجی هنرهای سنتی و اصیل هستیم، اما هنوز هم استادان و هنرمندانی وجود دارند که آفریننده اثرهای ارزشمند و فوق‌العاده زیبایی هستند ولی جای تأسف است که از اثرهای موجود در آینده‌ای نه چندان دور، جز یاد و خاطره‌ای و گاه نمونه‌ای به جای نخواهد ماند، زیرا از معدود هنرمندانی که در شهر صنعت و هنر باقی مانده‌اند، نه فرزندانشان گرد هنر آنها رفته‌اند و نه شاگردانی که توان همپایی و هم‌تایی آنان را داشته باشند، تربیت کرده‌اند.

یکی از هنرهای سنتی بسیار زیبای اصفهان که در حقیقت مجموعه چندین هنر ارزشمند است، هنر «سوخت و معرق» است که چنانکه باید نه شناخته و شناسانده شده و نه وسیله بقای آن فراهم آمده است و شگفت این‌که از هنرمندان این رشته اکنون جز چند نفر شناخته نیست.

هنر سوخت و یا «سوخت کاری» ترکیبی است از:

۱- برش بسیار ظریف و نازک پوست آهو یا گوسفند به شکل‌های مختلف که به طرز مخصوص آماده و رنگ آمیزی و با مهارت و دقت در کنار هم چسبانیده می‌شود.

۲- نقاشی مینیاتور.

۳- تذهیب (طلاکاری).

۴- تشعیر (نقاشی طلا و رنگ).

۵- خط نسخ یا نستعلیق.

۶- معرق (بهم پیوستن بریده‌های بسیار ظریف پوست).

۷- ساختن نقش‌های برجسته با پوست که با استفاده از پرس تهیه می‌شود.

به این ترتیب سوخت را باید یک هنر هفتگانه نامید و بهمین خاطر در گذشته نیز برای تهیه یک

کار سوخت، چند هنرمند همکاری می‌کرده‌اند. به این نحو که یک نفر پوست را با وسایل مختلف بشکل مخصوص و همانند برگ کاغذ در می‌آورده و هر تکه آن را با رنگی می‌آمیخته است (که هم اکنون نیز بهمین نحو عمل می‌شود) یک نفر ورقه‌های پوست را با ظرافت بسیار و به شکل خیلی زیبا می‌بریده و بهم می‌چسبانیده است (معرق)، دیگری کار تذهیب را انجام می‌داده و استادی دیگر نیز آنرا نقاشی می‌کرده و سرانجام نوشته‌ها و شعرهای روی تابلو نیز وسیله خوشنویس نوشته می‌شده، و یک تابلو سوخت بسیار خوب، ثمره کار چندین هنرمند بوده است.

زمان پیدایش هنر سوخت به درستی معلوم نیست، اما سابقه نشان می‌دهد که این هنر نیز همانند برخی دیگر در زمان صفویه رواج داشته است ولی به شکل تابلو و به نحوی که اکنون ساخته می‌شود، متداول نبوده، بلکه روی جلد قرآن و کتاب و گاهی نیز آلبوم به کار می‌رفته است. تهیه کار سوخت منحصر به ایران است. و در حال حاضر به جز اصفهان در هیچ جا ساخته نمی‌شود، لیکن در گذشته نوعی از آن به شکل جلد دیده شده که گویا در مصر ساخته و آن را (کار قبطی) می‌خوانده‌اند. نامی‌ترین استادی که در ساختن تمامی قسمت‌های «سوخت» هنری ستایش‌آمیز، داشته مرحوم محمد مهدی امامی معروف به حاج میرزا آقا امامی بوده است که در شرح حال آن مرحوم یکی از محققان اصفهان نوشته: «هنرمند ارزش‌مندی است از خانواده دیانت و مجهول‌القدر که سالنهای مهم ایران و اروپا آراسته به قطعات زیبای او است.»

مرحوم حاج میرزا آقا امامی به گفته‌ی دختر هنرمندش زینت امامی مبتکر دگرگونی مطلوبی در هنر سوخت و هم او بوده است که کار سوخت را از روی جلد قرآن و کتاب بر روی تابلو منتقل کرده و آن را با نقاشی مینیاتور به هم آمیخته است.

هنرمند دیگری که در ساختن سوخت، نامی از خود بجای نهاده و آثار او تزیین‌کننده سالنهای هنر دوستان است، مرحوم حسین خطائی شاگرد حاج میرزا آقا خطائی شاگرد حاج میرزا آقا امامی است، که تمام زندگی خود را بساختن آثار سوخت پرداخت و ۲ سال پیش از آنکه با دنیا وداع کند، در همین راه بینایی خود را از دست داد و با دنیای هنر وداع کرد.

باسابقه‌ترین استاد «سوخت»، با تجربه‌ترین هنرمند چیره‌دست و خلاق «سوخت و معرق» که هم اکنون در سن ۷۰ سالگی به خلق آثار هنر سوخت مشغول است و به تنهایی تمامی فنون «سوخت» را اعم از طراحی، برش پوست، تذهیب، معرق و نقاشی و غیره را می‌داند، بیگمان حسین خوشنویس‌زاده استاد راستین بازمانده هنر سوخت است که از سن ۱۴ سالگی به فراگرفتن این هنر پرداخته و قسمتی از آنرا نزد پدر هنرمند خود مرحوم حاج میرزا محمد خوشنویس‌زاده فرا گرفته و